

چتر حمایتی قانون پررنگ روی کاغذ و کم جان در عمل

در حالی که طبق قانون حمایت‌های خوبی از زنان شاغل وجود دارد اما برخی کارفرمایان از اجرای این موارد سر باز می‌زنند



مصادر، همسر و کارمندبودن وقتی در کنار همدیگر قرار بگیرد و بنا باشد بین آنها جمع بزنید، قطعاً یکی از سخت‌ترین و پرچالش‌ترین نوع زندگی را خواهید داشت. زنان اگر چه نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و حضورشان در بازار کار می‌تواند در چرخش چرخ‌های اقتصاد کشور بسیار تعیین‌کننده و تأثیرگذار باشد اما اشتغال برای زنان همواره با چالش‌هایی همراه است، به خصوص آن گروه از زنانی که به نوعی درگیری‌های خاص دارند؛ مادرائی که یک یا چند فرزند دارند یا زنان سرپرست خانواری که به نوعی مسئولیتی فرا تر از مسئولیت‌های عادی زندگی بر عهده دارند و علاوه بر خودشان مسئولیت فرزند یا یکی از والدین بر دوش آنهاست. همین مسئله هم می‌تواند در نقش آفرینی هم‌مان به عنوان یک مادر یا یک زن سرپرست خانوار و در عین حال به عنوان یک کارمند و فرد شاغل، چالش‌های متعددی را پیش روی آنها قرار دهد، البته شاید جالب باشد بدانید قانون کار در کشورمان تدابیری را برای حمایت از زنان شاغل در نظر گرفته است؛ تدابیری که البته بخشی از آنها اجرایی می‌شود و بخش دیگر نه!

■ ■ ■

چهارم شهریور ماه تحت عنوان روز کارمند نامگذاری شده و بهانه‌ای است به چالش‌های این قشر از جامعه پرداخته شود، البته که در این میان زنان کارمند با عنایت به نقش‌های متعدد خود چالش‌های بیشتری دارند چراکه در کنار نقش آفرینی در محیط کار و اتفاقات معمول میان کارفرما، همکار و کارمند، در خانه و خانواده هم نقش‌های گوناگونی دارند؛ از مادری و همسری گرفته تا سرپرستی خانوار و نگهداری از پدر و مادر سالمند و چالش‌های مرتبط با آن. این زنان اغلب باید زندگی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که بتوانند تمامی کارهای روتین یک زن خانه‌دار را در کنار انجام وظایف کاری و کارمندی خود انجام دهند. این در حالی است که چنین رویکردی اثرژی مضاعفی می‌طلبد و با ورود زنان به بازار کار شاید لازم باشد فرهنگ مواجهه سایر اعضای خانواده با زنان کارمند و انتظارات از آنان هم اصلاح شود. با تمساع اینها اگر به قوانین کشورمان در حوزه

اشتغال زنان نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم به لحاظ قانونی حمایت‌های خوبی از زنان کارمند و کارگر وجود دارد. اگرچه این قوانین خیلی وقت‌ها رعایت نمی‌شود و از ضمانت اجرایی لازم بر خوردار نیست!

■ **دستمزد یکسان**

در بسیاری از کشورهای اروپایی هنوز هم زنان و مردان شاغل در شغل‌های یکسان از دستمزد و مزایای یکسانی برخوردار نیستند، اما خوشبختانه قانون کار کشورمان اینگونه نیست و با نگاهی

حمایتی نسبت به زنان کارگر و کارمند تدوین شده است.

ماده‌های متفاوتی در قانون کار برای حمایت از زنان آمده است. یکی از آنها ماده۳۸ است. طبق این ماده برای انجام کار مساوی در یک شرایط برابر و در یک کارگاه نباید تبعیضی میان زن و مرد وجود داشته باشد، هر دوی آنها باید از یک مزد مساوی بر خوردار شوند. نباید به علت‌های گوناگون حقوق و مزایای زنان در شرایط برابر کمتر از حقوق و مزایای مردان باشد. پرداخت حقوق و مزایای ربطی به جنسیت، نژاد، اعتقادات سیاسی و قومیت ندارد.

■ **ممنوعیت کارهای سنگین و زیان‌آور**

زنان توانایی انجام کارهای زیان‌آور یا سنگین را ندارند. شرایط کار زنان و نوجوانان شباهت بسیاری به یکدیگر دارد. طبق ماده۷۵ قانون کار زنان باید از انجام کارهای سخت و زیان‌آور دوری کنند. از کارگران زن نباید برای حمل بارهای سنگین بدون

وسيله مکانیکی و با دست استفاده کرد. قانون کار ایران به طور صریح ممنوعیت انجام کارهای سخت و زیان‌آور را برای بانوان شاغل تصریح کرده است. کارهایی که به سلامت و امنیت

بانوان آسیب می‌رساند یا با ویژگی‌های جسمی و روحی آنان سازگار نیست، به عنوان کارهای سخت و زیان‌آور شناخته می‌شود و طبق قانون، زنان اجازه دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی می‌رسد. قطعاً شرایط کار زنان باید شامل تفاوت‌های عمده‌ای نسبت به مردان باشد. زنان نباید کارهای خطرناک انجام دهند. به طور مثال مشاغلی مانند کار در معدن برای خانم‌ها ممنوع است.

■ **حمایت از مادران**

در قانون کار ایران زنان شاغل مانند سایر کارگران مجاز به کار در ساعات عادی کاری هستند که معمولاً روزانه هشت ساعت و هفتگی ۴۴ ساعت است، همچنین زنان باردار و شیرده می‌توانند از کاهش ساعات کاری روزانه خود به میزان یک تا دو ساعت استفاده کنند. این کاهش ساعات بدون کسر از حقوق و مزایای آنان است. این محدودیت‌ها با هدف حفاظت از سلامت و امنیت زنان در نظر گرفته شده است.

قانونگذار برای حمایت از زنان باردار قوانینی را

تعیین کرده است. در قوانین بین‌المللی زمانی که برای مرخصی زایمان و بارداری در نظر گرفته شده حد اکثر ۹۰ روز است، البته این قانون در کشورهای متفاوت فرق می‌کند. به طور مثال کشور ما ابتدا شش ماه را برای مرخصی زایمان و بارداری در نظر گرفت اما هم‌اکنون این زمان به ۹ ماه افزایش یافته است! همچنین به همسران زنان کارگری که از مرخصی زایمان خود استفاده می‌کنند، بعد از وضع حمل دو هفته مرخصی با حقوق و دستمزد نیز تعلق می‌گیرد، این در حالی است که به طور مثال در کشوری مانند آمریکا زنان اصلاً مرخصی زایمان ندارند و از فردای روز زایمان باید در محل کار خود حاضر شوند یا از مرخصی بدون حقوق استفاده کنند!

■ **شیردهی و مهد کودک**

ماده ۷۸ قانون کار در کشور ما به حمایت از زنان شیرده پرداخته است. زنان شیرده می‌توانند تا دو سال بعد از تولد فرزند هر سه ساعت یک‌بار نیم ساعت فرصت بگیرند تا بتوانند شیردهی را برای فرزند خود انجام دهند. این نیم ساعت جزو ساعات کاری زنان شیرده به حساب می‌آید. علاوه بر اینها کارفرما وظیفه دارد بسته به تعداد فرزندان محلی را

برای نگهداری از آنها تهیه کند. به طور مثال مادران می‌توانند فرزندان خود را در مهد کودک موجود در محل کار نگهداری کنند، البته این قانون در اغلب موارد اجرا نمی‌شود و اغلب اوقات دستگاه‌ها از ایجاد مهدهای کودک برای زنان کارگر پسا کارمند خود سر باز می‌زنند.

■ **ضرورت نظارت**

کمبود ضمانات اجرایی، نبود سازوکارهای نظارتی دقیق و عدم تخصیص بودجه کافی باعث شده است بسیاری از کارفرمایان (به‌ویژه در بخش خصوصی) از اجرای این تعهدات شانه خالی کنند. در بقیه موارد نیز کارگاه‌های زیرزمینی و مشاغلی که تحت نظارت قانون کار نیستند هم در اغلب موارد از این قوانین عدول می‌کنند. با وجود این شرایط اقتصادی و نیاز به شغل و درآمد موجب می‌شود زنان با وجود درآمد کمتر یا عدم‌رعایت سایر موارد قانونی تن به کار دهند. بر این اساس بی‌تردید لازم است نظارت دقیق‌تری روی واحدهای کاری صورت گیرد تا زنان شاغل که ناگزیرند در کنار پذیرش مسئولیت‌های شغلی، مسئولیت‌های متنوع خانوادگی را هم بر عهده بگیرند یا چالش‌های کمتری مواجه شوند.

نگاه

قهرمان‌های مان را خودمان بسازیم

■ **زهرآ سلیمانی**

روزهای دبستان را هنوز یادم است. با به مدرسه که گذاشتم، همکلاسی‌هایم عکس روی کیف و جلد دفترشان را که تعدادی پرنسس کنار هم با ژست خاصی ایستاده بودند، نشان یکدیگر می‌دادند و دعوایشان سر این بود که در بازی، چه کسی نقش السا و چه کسی نقش انّا را بازی کند.

اغلب، ر هربان اکتیپ‌ها که زورشان می‌رسید و بقیه بچه‌ها جرئت حرف زدن روی حرف‌شان را نداشتند، نقش این دو نفر و باقی دخترها نقش سبندلا و راپونزل و امثالهم را بازی می‌کردند. آرزوهای‌مان شده بود پوشیدن لباس‌های نیمه‌برهنه و رنگارنگ و فدا، را گذاشتن در یکی از آن قصرهای رؤیایی دیزنی و رقصیدن با پرنس. هر چند بزرگ شدیم و آرمان‌ها و باورهای‌مان تغییر کرد، اما هنوز هم که هنوز است، آواز السا را دختران دهه هشتادی از حفظ هستند، به همین راحتی تمام خاطرات کودکی دختران نسل ما خلاصه شد در الگوی دختران غرب.

■ **چرا؟**

چرا وقتی در سرزمین خودمان ایران، یگانه اساطیری همچون گردآفرید و تهمینه و سوسدابه و دختران و زنان قهرمانی مانند بی‌بی مریم بختیاری، فرنگیس، زنان کرده و زینب کمایی داریم، خواب و خیال دختر بچه‌های‌مان بشود دختران فانتزی و غیرواقعی فرهنگ غرب؟ اصلاً چرا راه دور برویم؟ شهیده فائزه رحیمی و شهیده فرشته باقری یا اصلاً همین ساره جوانمردی خودمان. مگر چه از دخترکان بزرگ کرده دیزنی کم دارند؟ پس چرا اسمی از آنان میان الگوهای دختران‌مان نیست؟ جوابش معلوم است. چند علت دارد که در اینجا به یک مورد از آنها می‌پردازیم.

■ **انیمیشن**

از لحاظ روان‌شناسی یکی از عواملی که بیشترین تأثیر را در انتقال مفاهیم اعتقادی و شکل‌گیری آرمان‌ها و سبک زندگی در کودکان دارد، انیمیشن است.

انیمیشن برای کودکان صرفاً یک سرگرمی گذرا و کوتاه‌مدت نیست! آنها با دنیای درون هر انیمیشن زندگی می‌کنند و هر چقدر شخصیت‌های اصلی انیمیشن جذاب‌تر باشند، میزان همذات‌پنداری کودک با آن شخصیت بیشتر است. کودکان با قوه تخیل قوی‌ای که دارند به جای قهرمان‌های داخل فیلم زندگی می‌کنند، به خصوص دخترها که دارای احساسات قوی‌تری هستند و زودتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این فرصت خوبی برای هر فرهنگی است تا بتواند ارزش‌ها، باورها و آرمان‌هایش را در قالب انیمیشن به نسل بعد یا حتی فرهنگ‌های دیگر انتقال دهد.

فرهنگ غرب آنچنان غنی نیست، اما آنها با قدرت تأثیرگذاری انیمیشن و الگوسازی، الگوهای دروغین فرهنگ‌شان را به خورد فرهنگ غنی وتمدنی چون فرهنگ ایرانی – اسلامی دادند و هویت کودکی‌مان را به تاراج بردند.

هر چقدر آنها در زمینه انیمیشن و الگوسازی قوی هستند، ما ضعیف هستیم. نمی‌گوییم تاکنون کاری در این زمینه انجام نداده‌ایم، انجام داده‌ایم، اما قدرت تأثیرگذاری قابل توجهی نداشته است. آنچه مشاهده می‌شود، اکثراً انیمیشن‌های ایکبی و بی‌کیفیتی است که کودک و نوجوان یا سمت آن نمی‌رود یا بعد از یک بار تماشا آن را به کل فراموش می‌کند.

یکی از عوامل آن، عدم تمرکز روی یک شخصیت است. وقتی در انیمیشن‌هایی همچون السا و سبندلا تمرکز بر یک شخصیت اصلی گذاشته می‌شود، ذهن مخاطب ناخودآگاه به سمت آن شخصیت، رفتارها و سرنوشتش می‌رود و سعی می‌کند شخصیت خود را با آن وفق دهد.

در هلهه بعد یک داستان جذاب و منسجم می‌تواند مخاطب را درگیر کند و دنبال خود بکشد؛ داستانی که متناسب با سطح فکری کودک نسل جدید باشد نه کمتر از آن!

در مراحل بعد، طراحی بصری شخصیت‌ها و فضا تأثیر بسزایی دارد.

در پایان، کودکان ایرانی نیاز دارند قهرمان‌ها و الگوهایی از جنس خودشان داشته باشند و تبدیل‌شدن به آن الگو، برای‌شان محال نباشد. حواس‌مان باشد کودکی بچه‌های نسل جدید را خودمان بسازیم، نه بیگانها!

«حجاب استایل‌ها» معنویت را جشنواره کرده‌اند

به گفته یک فعال فرهنگی، «حجاب‌استایل‌ها» سربازان خط مقدم جنگ فرهنگی در مسیر به ابتذال کشاندن مناسک مذهبی و معنوی هستند

تا این حرکت‌های عظیم از یک «حادثه معنوی و انقلابی» به یک «رویداد نمایشی و سطحی» تقلیل پیدا کند

اغلب منفعت‌طلبی شخصی نهفته است.»

جباری هشدار می‌دهد که بی‌تفاوتی در برابر این رفتارها خطرناک است و می‌افزاید: «نباید با بی‌تفاوتی از کنارشان گذشت، بلکه لازم است هوشیارانه و فعالانه با این سوءاستفاده‌ها برخورد

■ **«اسلام مطلوب امریکایی» پشت پرده**

است

جباری در ادامه به نقش مسئولان اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که ساده‌انگاری در این زمینه خطرناک است: «این پدیده تأثیری تدریجی و فرایشی دارد و متأسفانه بسیاری از مسئولان به آن ساده‌انگارانه نگاه می‌کنند. تجربه کشورهایی مثل مالزی، ترکیه، عراق و لبنان نشان می‌دهد این جریان فقط یک رفتار فردی یا بلاگری سطحی نیست، بلکه ریشه‌های سازمان‌یافته دارد.» جباری با اشاره به اهداف پشت پرده این جریان توضیح می‌دهد: «پشت این افراد اتاق فکرهایی وجود دارد که تلاش می‌کنند با تغییر سبک زندگی و ظاهر مذهبی، مسائل دینی و فرهنگی ما را ابتذال زده و سنس‌خای از «اسلام مطلوب امریکایی» را تبلیغ کنند.»

او در پایان هشدار می‌دهد: «مواجهه صرفاً با اقدامات خودجوش مردمی کافی نیست و نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق از سوی مسئولان فرهنگی و مذهبی است.»

جریان‌های بلاگری در دنیا و در کشور ما در حوزه‌های مختلف وارد شده‌اند و گاهی وقت‌ها موجب ضربات عمیق به حوزه‌های فرهنگ و سبک زندگی هستند، به خصوص «حجاب‌استایل» در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز عرصه فرهنگی و اجتماعی بدل شده است؛ جریانی که به‌نام حجاب‌اما با ظاهری متفاوت و استایلی نمایشی تلاش می‌کند توجه‌ها را به خود جلب کند. بسیاری از کارشناسان فرهنگی معتقدند این سبک پوشش و نمایش، به جای تعمیق معنویت، نوعی کالایی‌کردن ارزش‌های دینی و تبدیل آنها به ابزار جذب مخاطب در فضای مجازی است. حالا مدتی است این جریان وارد حوزه مناسک مذهبی هم شده‌اند. این در حالی است که در اربعین حسینی نیز ادامه همین روند مشاهده شد؛ جایی که در میانه شور و اشک زائران، صحنه‌هایی با فضایی آیین عظیم همخوانی نداشت. «حجاب‌استایل‌ها» در مسیر نجف به کربلا نه با ذکر و نوحه، بلکه با مولودی «بریم نجف...» و پوشش‌های نامتعارف بیشتر از آنکه دنیال حال و هوای معنوی باشند، به دنبال جلب نگاه‌ها و لنز دوربین‌ها بودند. همین رفتارها سبب شد موضوع «حجاب‌استایل‌ها» به یکی از دغدغه‌های جدی فعالان فرهنگی در اربعین امسال تبدیل شود. راضیه جباری، فعال فرهنگی که بارها در صفحه شخصی خود نسبت به این پدیده هشدار داده است، در گفت‌وگو با «جوان» بر ایجاد آیین آسیب تأکید می‌کند.

دوربین‌ها، برای این افراد، نذری دادن بیشتر به فرصتی برای ثبت تصاویر و تولید محتوا شباهت داشت تا انجام یک عمل عبادی.

به باور جباری، ریشه این رفتارها در سطحی‌نگری شخصی خلاصه نمی‌شود، بلکه به «مهندسی فرهنگی» بازمی‌گردد؛ «وقتی مراسم مذهبی مثل پیاده‌روی اربعین در فضای مجازی، به‌ویژه

اینستاگرام، صرفاً به‌عنوان یک پیاده‌روی طولانی یا تجربه‌ای هیجان‌انگیز معرفی می‌شود، طبیعی است که برخی افراد آن را شبیه یک سفر توریستی یا فستیوال اجتماعی ببینند.»

او تأکید می‌کند: «همین برداشت ناقص، زمینه توجه به ظاهر، استایل و مد را به جای معنویت و حجاب فراهم می‌کند. در واقع، بخشی از این

کار فرهنگی منفی می‌توان خنثی کرد.»

روا می‌لحنی صریح ادامه می‌دهد: «با صدای

اسا می‌گوییم «حجاب‌استایل‌ها» سربازان خط مقدم جنگ فرهنگی در مسیر به ابتذال کشاندن آیین‌های مذهبی و فضای معنوی آن هستند.»

■ **وقتی معنویت به فستیوال تقلیل می‌یابد**

این روزها حتی نذری دادن هم در برخی صحنه‌ها رنگ و بوی دیگری پیدا کرده است؛ نمونه روشن این نگاه سطحی را می‌توان در صحنه‌هایی دید که برخی «حجاب‌استایل‌ها» هنگام زیارت و مراسم مذهبی، نذری توزیع می‌کنند اما نه با حال و هوای معنوی و ساده‌پستانه، بلکه با پوشش‌های غیرمتعارف، ژست‌های نمایشی و در کنار لنز

■ **حجاب‌استایل‌ها سربازان جنگ فرهنگی هستند**

پدیده «حجاب‌استایل» این روزها فرا تر از یک سبک پوشش فردی دیده می‌شود و به بخشی از جنگ فرهنگی علیه ارزش‌های دینی تبدیل شده است؛ جریانی که حتی در آیین باشکوه اربعین هم خود را نشان داد.

راضیه جباری با تأکید بر اینکه زیارت و آیین‌های دینی آداب و حرمت ویژه‌ای دارند، می‌گوید: «این مراسم‌ها با همه اجتماعات دیگر تفاوت دارد. غم و اندوه اهل بیت(ع) یا حال و هوای معنوی زیارت آنقدر سنگین است که در کلمات نمی‌گنجد. کوتاه بگویم: دشمنان ما از زمان سقوط آندلس فهمیدند که پدیده‌های فرهنگی و مذهبی مثبت را فقط با

